

تجربه و نوآوری در کلاس

حس جسارت و خطرپذیری است. زیرا این ویژگی‌ها است که فردیت هنری را با انعکاس ویژه اثر هنری همراه می‌کند، و آرام‌آرام با سپردن راه کمال، زبان بصری خاص و شخصیت متفاوت هنری برانزنده قامت هنرمند خواهد شد.


با این مقدمه، کلاس هنر می‌تواند با ایجاد اطمینان خاطر و آموختن توانایی لازم، نقطه عزیمت و آفرینش‌های هنری متفاوت باشد. نه در هنر که در همه درس‌ها، رخوت و تنبلی سد اصلی نوآوری و خلاقیت است. سرگذشت‌نامه اهل هنر و کارنامه پربار و برگ سرآمدان هنر پیش‌روی ماست. نمونه عینی آن زنده‌یاد عربعلی شروه بود که معلمی را با تمام وجود خود در روستا درک کرده بود. او براساس شناخت روحیه و نیاز هنری به تألیف کتاب‌های آموزش هنر دست زد. سوای تعداد زیاد تابلوها و آثار هنری وی، باید به بیش از یکصد اثر آموزشی و تألیفی چاپ شده و نشده‌اش اشاره کرد.

به‌راستی معلمی مانند او وقف آموزش هنر شد و همه می‌دانیم که هنر در سایه‌سار کار مداوم ظرفیت واقعی خود را پیدا می‌کند. هم نظر با بزرگان هنر باید قائل باشیم که دانش‌آموز فعال، در کلاس معلم فعال ساخته می‌شود. عشق به معلمی هنر و داشتن انگیزه برای انتقال آموخته‌ها و مهارت‌ها به بچه‌ها، به‌طور حتم به‌بار

تجربه هنری همواره با یک جرقه ساده و ناگهانی آغاز می‌شود. گویی، همین ایده ساده ولی خوب زیربنای اصلی هنر است و به قول آن تصویرگر مبرز: «داشتن ایده خوب یعنی همه‌چیز». از همین نقطه است که کلمات و تصاویر ابزاری می‌شوند و می‌توانیم با آن‌ها تصورات و خیال‌پردازی‌های درون را ثبت کنیم. به‌نظر می‌رسد که کلاس و مدرسه بهترین جایگاه برای تجربه کردن و رسیدن به دستاوردهای تازه باشد.

فکر نمی‌کنم به لحاظ تجربه و تولید هنری، بین معلم هنر و دانش‌آموز کلاس تفاوتی باشد. زیرا اگر با خودباوری و اطمینان به توانایی خویش، کسی به کار هنری دست بزند، و رؤیاها و اندیشه‌هایش را ابراز کند، به‌نوعی تجربه هنری کرده است. وجه مهم این تجربه برای هنری بودن آن، «متفاوت‌بودن» و «دگرگونه بودن» آن است. از اینجاست که تأیید و یا انتقاد دامن هنرمند را می‌گیرد و او باید برای آن‌ها منتظر بماند و آمادگی لازم را در خود ایجاد کند.

خیال‌پردازی و دامن زدن به تخیل در عرصه تولید و آفرینش هنری، لازمه هنرهای تجسمی است اما در نقد و بررسی اثر هنری، خیال‌پردازی را باید کنار نهاد و واقع‌بینانه به نقصان‌ها، کاستی‌ها و نقاط قوت اثر هنری نگاه کرد. لازمه خلق اثر هنری بدیع و ماندگار، داشتن



می‌نشینند. روزگاری نیز با به ثمر رسیدن هنر همین
بچه‌ها، خستگی معلم هنر نیز از تن به‌در می‌رود.
کوچه به کوچه بوی گل موج بهار می‌زند*
اتفاق فرخنده‌ای که مقارن با این شماره از مجله است،
رسیدن ماه فروردین و ماه سرزدن شکوفه‌هاست به
قول ملک‌الشعرای بهار:

هنگام فرودین که رساند ز ما درود
بر مرغزار دیلم و طرف سپیدرود
کز سبزه و بنفشه و گل‌های رنگ‌رنگ
گوی بی بهشت آمده از آسمان فرود
در این فصل لطافت باران حس‌کردنی و نجوای
کوهسار و چشمه‌سار، و حتی تک درخت در کویر
شنیدنی است. دنیایی زیبا که رؤیاهای هنری را با
تخیل وصف‌ناپذیر همراه و آدمی را سرشار از ایده
می‌کند.

با آغاز این فصل، دفتر روزگار ورقی دیگر می‌خورد و
بهار از راه می‌رسد. با آمدن فصل بهار، جهان نه‌تنها
خرم و سرسبز می‌شود، بلکه به باران مژده می‌دهد
که دل‌ها نیز بهاری و مملو از عشق خواهند شد.
بهار شادی‌آفرین را به شما تبریک می‌گوییم و
خرسندی و بهروزی را از خداوند بزرگ برای شما
طلب می‌کنیم.

* صفا الحق همدانی